

فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی (رویکرد اسلامی- ایرانی)
سال دوازدهم، شماره ۴۷، زمستان ۱۳۹۱، صفحات ۱۲۴-۱۵۳

بررسی مقایسه‌ای تأثیر نهادها بر خوداشتغالی و نوآوری در کشورهای منتخب جهان

سعید عیسی‌زاده*، جهانبخش مهرانفر** و مهدی فردوسی***

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۴/۲۸

این مقاله با توجه به وجود تفاوت‌های قابل توجه بین‌المللی در زمینه کارآفرینی، از یک رویکرد مقایسه‌ای برای توضیح و تبیین چگونگی نفوذ نهادها در توسعه خوداشتغالی و نوآوری که به ترتیب ساده‌ترین و مهم‌ترین نوع کارآفرینی هستند، استفاده می‌کند. بدین منظور، پنج شاخص آزادی اقتصادی به‌عنوان عوامل نهادی، نرخ خوداشتغالی و ثبت اختراعات، به‌عنوان شاخص خوداشتغالی و نوآوری در ۶۰ کشور منتخب توسعه‌یافته و درحال توسعه به کار برده شده است. نتایج حاصل از تخمین مدل‌های رگرسیونی به روش داده‌های تابلویی^۱ در دوره ۱۹۹۰-۲۰۰۹ حاکی از آن است که شاخص‌های آزادی از فساد، آزادی کسب-وکار و آزادی تجاری اثر منفی و شاخص‌های آزادی سرمایه‌گذاری و آزادی از مداخلات دولت اثر مثبتی بر خوداشتغالی دارند. این در حالی است که آزادی کسب‌وکار و آزادی از فساد اثر مثبتی بر نوآوری دارند. در واقع، نهادهایی که خوداشتغالی را تقویت می‌کنند، نوآوری را تضعیف می‌کنند و برعکس.

طبقه‌بندی JEL: O5, M13, C3.

کلیدواژه‌ها: کارآفرینی، خوداشتغالی، نوآوری، نهادها، شاخص‌های آزادی اقتصادی.

* عضو هیأت علمی دانشگاه بوعلی سینا، دانشکده اقتصاد، پست الکترونیکی: saeed_isazadeh@yahoo.com

** کارشناس ارشد توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، پست الکترونیکی: j_mehran2000@yahoo.com

*** کارشناس ارشد توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، پست الکترونیکی: ferdosi.mahdi@yahoo.com

۱- مقدمه

امروزه از کارآفرینی به عنوان موتور توسعه اقتصادی یاد می‌شود، زیرا می‌تواند در رشد و توسعه اقتصادی کشورها نقش مهمی داشته باشد. همین امر باعث شده است که در دهه‌های اخیر، کارآفرینی به عنوان مهم‌ترین مسأله در زمینه اشتغال‌زایی و ایجاد کسب‌وکار در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه مطرح شود. در عین حال، شواهد نشان می‌دهند که کارآفرینی در بعضی از این کشورها از رشد بالایی برخوردار است و در بعضی دیگر، رشد پایینی دارد. علاوه بر آن، سطح فعالیت‌های کارآفرینی کشورها در طول زمان نیز متفاوت است. این در حالی بوده که محققان معتقدند، توانایی‌های افراد در زمینه کارآفرینی، در بین کشورهای مختلف، متفاوت نیست. کارآفرینی مجموعه‌ای از تلاش‌ها و تجارب بشری در ایجاد یا کشف فرصت‌ها و اجرایی کردن آنهاست. بنابراین، از آنجا که کارآفرینی نتیجه سعی و تلاش انسان‌هاست، انتظار بر این است که در سرتاسر جهان به طور یکنواخت توسعه یابد. با وجود این، برحسب توسعه اقتصادی کشورها، تفاوت‌های قابل توجه بین‌المللی در زمینه کارآفرینی وجود دارد. از این رو، به نظر می‌رسد، برای توضیح و تبیین این تفاوت‌ها، بررسی شرایط اثرگذار بر آنها در سطح ملی نسبت به سطح فردی ضروری‌تر و مفیدتر باشد. بنابراین، برای پی بردن به علل تفاوت‌های بین‌کشوری در سطح کارآفرینی، باید شرایطی که نقش تعیین‌کننده‌ای در تأسیس و فعالیت بنگاه‌ها و شرکت‌ها در سطح کشورها دارند، مورد بررسی قرار گیرند.

کارآفرینان عواملی در سطح اقتصاد خرد هستند که نهادهای ملی را به عملکردهای اقتصادی در سطح کلان ربط می‌دهند، زیرا آنان در رأس تأسیس و اداره شرکت‌ها قرار دارند و نهادها نیز تعیین‌کننده یک ساختار مبادلاتی هستند که بر هزینه‌های معاملات و نقل و انتقالات تأثیرگذار است و بدین طریق امکان اجرا و سودآوری یک فعالیت اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در واقع، این همان سازوکاری است که به واسطه آن، نهادها، تعیین‌کننده‌های اساسی کارایی اقتصادی در بلندمدت تلقی می‌شوند. از این رو، سعی داریم چگونگی نفوذ نهادهای ملی بر شرکت‌ها و به عبارتی بهتر، تأثیر ترتیبات نهادی بر فعالیت‌های کارآفرینانه را مورد بحث قرار دهیم، اما کارآفرینی انواع مختلفی دارد که ساده‌ترین شکل آن، خوداشتغالی و مهم‌ترین شکل آن، نوآوری است. افرادی که به خوداشتغالی روی می‌آورند انتخاب شغلی بهتری ندارند و به طور معمول برای حل مشکل بیکاری به آن مبادرت می‌ورزند، در حالی که نوآوری ارابه یک محصول تولیدی یا

بررسی مقایسه‌ای تأثیر نهادها بر خوداشتغالی و نوآوری در کشورهای منتخب جهان ۱۵۵

یک روش تولیدی جدید است یا یک مشکل تکنولوژیکی (فناورانه) را برطرف می‌کند. بامول^۱ معتقد است که بزرگ‌ترین تفاوت در سطح کارآفرینی به سهم خوداشتغالی و نوآوری در فعالیت‌های کارآفرینی برمی‌گردد. سطح خوداشتغالی در کشورهای در حال توسعه به اندازه‌ای بالاست که گاه باعث می‌شود سطح کل فعالیت‌های کارآفرینی در این کشورها بیشتر از کشورهای توسعه‌یافته شود. از این رو، ضروری است به بررسی مقایسه‌ای تأثیر عوامل نهادی بر خوداشتغالی و نوآوری پرداخته شود.

این مقاله، ابتدا به بیان ادبیات موضوع و چهارچوب نظری مربوط به بحث کارآفرینی و نهادها می‌پردازد و سپس، متغیرها را معرفی و مدل اقتصادسنجی را ارائه می‌کند. بخش بعدی، به برآورد مدل و تحلیل یافته‌ها اختصاص دارد. در نهایت، نتیجه‌گیری و پیشنهادها ارائه می‌شود.

۲- مبانی نظری

۲-۱- کارآفرینی و دیدگاه‌های مختلف آن

کارآفرینی مفهومی چندبعدی است.^۲ در سطح کلان، کارآفرینی می‌تواند مجموع تصمیمات فردی کارآفرینان درباره سرمایه‌گذاری‌های مخاطره‌آمیز تلقی شود. براساس این نظریه، می‌توان کارآفرینان را به صورت فردی و مجزا در نظر گرفت و مجموع فعالیت‌های آنها را به‌عنوان شاخصی برای نشان دادن سطح کل فعالیت‌های کارآفرینی به کار برد.^۳

مک کللند^۴ (۱۹۶۱)، در کتاب خود بیان می‌کند که سطح کارآفرینی در یک کشور به ویژگی‌های روان‌شناسانه افراد بستگی دارد. در این مضمون، عقیده وی بر این است که مجموع ویژگی‌های کارآفرینانه افراد، تعیین‌کننده سطح کارآفرینی و در نهایت، رشد اقتصادی است، اما این دیدگاه فردی و روان‌شناسانه به سبب محدودیت آن مورد انتقاد قرار گرفت.^۵ همان‌طور که نایت^۶ معتقد است، ما نمی‌توانیم بدون احتساب زمینه‌های نهادی و فرهنگی در تصمیم‌گیری‌های روزانه افراد، در مورد عقلانیت اعمال آنها قضاوت کنیم. یک چالش جدی این است که عمل

1- Baumol

2- Verheul et al, 2002.

3- Davidsson, 1995.

4- McClelland

5- El Harbi, Anderson, 2010.

6- Knight

کارآفرینی در داخل یک جامعه بوده و فرآیند فعالیت‌های کارآفرینانه توسط آن جامعه شکل می‌گیرد^۱. چالش جدی‌تر و مهم‌تر آن است که اگرچه کارآفرینان عاملان تغییر هستند، اما ما نمی‌توانیم از ساختار چشم‌پوشی کنیم. همان‌طور که گاگیاردی^۲ می‌گوید، در تمام فعالیت‌های اقتصادی که ما به‌عنوان عاملان اقتصادی عمل می‌کنیم، توسط نهادها تحت تأثیر قرار می‌گیریم. از آنجا که نهادها شکل‌دهنده ساختار هستند و در واقع، ساختار و نهادها در قالب یک رابطه پویا عمل می‌کنند، ساختار می‌تواند بر فعالیت‌های کارآفرینانه اثرگذار باشد و تفاوت در سطح کارآفرینی را توضیح دهد^۳. براساس این نظریه، لافونته و ویلنت^۴ (۲۰۰۷)، اظهار داشتند که برای مطالعه کارآفرینی یک چهارچوب تئوریک (نظری) برپایه دیدگاه اجتماعی - فرهنگی می‌تواند نسبت به دیدگاه‌های اقتصادی و روان‌شناسی معمول، مناسب‌تر باشد.

یکی از معمول‌ترین مفاهیم اقتصادی کارآفرینی مربوط به دیدگاه کرزنر^۵ است. در این دیدگاه، کارآفرینی فرآیند شناسایی فرصت‌هاست. از نظر کرزنر، کارآفرین کسی است که فرصت‌های جدید سودآور در بازار ایجاد کند^۶. در بین سایر مفاهیم اقتصادی کارآفرینی، مفهوم ارایه شده توسط شومپیتر^۷ از اهمیت بالایی برخوردار است. وی، کارآفرینی را موتور توسعه اقتصادی معرفی می‌کند و معتقد است کارآفرینی، مجموعه ابداعات و نوآوری‌هایی است که به اقتصاد، انرژی جدیدی برای رشد و موفقیت تزریق می‌کند. در نظر شومپیتر، نقش کارآفرین، تخصیص مجدد منابع با برهم زدن تعادل‌های موجود است. شومپیتر، این فرآیند را که از طریق معرفی نوآوری‌های کارآفرینانه صورت می‌گیرد، تخریب خلاق^۸ می‌نامد. وی نوآوری‌های کارآفرینانه را شامل پنج مورد می‌داند:

- ۱- معرفی یک کالای جدید
- ۲- معرفی یک روش تولیدی جدید
- ۳- افتتاح و گشایش یک بازار جدید

1- Anderson, Smith 2002 , Anderson, Miller 2003.

2- Gagliardi

3- Jack and Anderson, 2002.

4- Lafuente and Vaillant

5- Kirzner

6- Kirzner, 1973.

7- Schumpeter

8- Creative Destruction

۴- ایجاد یک منبع جدید برای عرضه مواد اولیه یا کالاهای نیمه‌ساخته^۱

۵- ایجاد سازماندهی جدید در بخش‌های مختلف صنعت

بامول، از دیگر اقتصاددانان صاحب نظر در زمینه کارآفرینی است. وی اعتقاد دارد، با اینکه کشورهای مختلف در عرضه فعالیت‌های کارآفرینانه متفاوت هستند، اما بزرگ‌ترین تفاوت به سهم کارآفرینی در فعالیت‌های مولد یا غیرمولد برمی‌گردد. بامول، ما را در خصوص شناسایی قوانین یک بازی که نهادهای کارآفرینی نامیده می‌شوند، آگاه می‌سازد. او می‌گوید: اگر شرایط موجود مناسب باشند، کارآفرینی باعث ایجاد ثروت خواهد شد، اما اگر شرایط مناسبی بر جامعه حاکم نباشد، کارآفرینان در خلق ثروت با شکست مواجه خواهند شد. زیرا در این حالت، فعالیت‌های آنها می‌تواند به سمت فعالیت‌های غیرمولد و حتی مخرب حرکت کند. نکته مهم نگرش بامول در این است که کارآفرینی می‌تواند در اشکال مختلف نمایان شود که بعضی از آنها ممکن است در حالت کلی کاملاً نامناسب و نامطلوب باشند. در نظر وی، با اینکه جامعه می‌تواند منابع و انگیزه‌های توسعه فعالیت‌های کارآفرینی را فراهم کند، اما اگر شرایط نامناسبی بر آن حکمفرما باشد، کارآفرینان این منابع را برای منافع شخصی خویش و به بهای از دست دادن رشد اقتصادی به کار خواهند گرفت. بامول معتقد است، تلاش‌ها و فعالیت‌های کارآفرینان براساس کیفیت نهادهای اقتصادی، سیاسی و قانونی حاکم بر جامعه شکل می‌گیرد. در واقع، این ساختار نهادی است که تعیین می‌کند تلاش‌های کارآفرینانه در جهت فعالیت‌های مولد است یا غیرمولد^۲. نهادهای مناسب با فراهم آوردن حقوق مالکیت، ایجاد سیستم قضایی عدالت‌محور، اجرای قراردادهای و ایجاد محدودیت‌های قانونی مؤثر، باعث کاهش سودآوری فعالیت‌های غیرمولد می‌شوند و موجب می‌شوند افراد به سمت فعالیت‌های مولد که منشأ اساسی رشد اقتصادی و خلق ثروت هستند، سمت و سو بگیرند^۳. در این نگرش، تصمیم به انجام فعالیت‌های کارآفرینانه، به نرخ نرخ سود یا بازده فعالیت‌ها که کیفیت نهادهای سیاسی و قانونی عوامل تعیین‌کننده آن هستند، بستگی دارد.

1- Part Manufactured Goods

۲- نظریه بامول با اندیشه‌های سوبل (Sobel, 2008) که ادعا می‌کند کارآفرینی مولد، بنیان رشد اقتصادی و خلق ثروت است، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد.

3- Sobel, 2008.

دیدگاه دیگری که بین انواع کارآفرینی تمایز قایل می‌شود و اختلاف جزئی با دیدگاه بامول دارد، دیدگاه سازمان جهانی کارآفرینی (GEM)^۱ است که آن را به دو نوع «کارآفرینی اجباری^۲» و «کارآفرینی فرصت^۳» دسته‌بندی می‌کند. کارآفرینی اجباری با فقر و بیکاری بالا مرتبط است و افراد تنها برای کسب درآمد و تأمین حداقل استانداردهای زندگی به آن رو می‌آورند، اما کارآفرینی فرصت، نشان‌دهنده شروع یک کسب‌وکار جدید برپایه شناسایی فرصت‌ها و به‌کارگیری نوآوری است و افراد برای افزایش درآمد و ارتقای کیفیت زندگی خویش به آن مبادرت می‌ورزند. این رویکرد کارآفرینی می‌تواند توجه‌کننده بالا بودن سطح کل فعالیت‌های کارآفرینی در کشورهای درحال توسعه نسبت به بعضی کشورهای توسعه‌یافته باشد. باید توجه داشت که کارآفرینی اجباری ثروت ایجاد نمی‌کند، اما کارآفرینی فرصت خلق ثروت می‌کند و رشد اقتصادی بلندمدت را برای اقتصاد به ارمغان می‌آورد.

لوک و مینیتی^۴ (۲۰۰۸)، با استفاده از نظریه مدل رشد درون‌زا نشان دادند چگونه افراد کارآفرین می‌توانند به محیط نهادی جامعه عکس‌العمل نشان دهند. آنها اظهار داشتند که رشد بالای اقتصادی می‌تواند از طریق افزایش در تعداد کارآفرینان محقق^۵ یا مقلد^۶ میسر شود. وقتی هزینه تغییرات تکنولوژیکی (فناورانه) بالاست و افراد در فعالیت‌هایی اشتغال دارند که برپایه نوآوری ایجاد نشده‌اند، افزایش تقلید و توسعه کارآفرینی تقلیدی می‌تواند تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی داشته باشد. کشور چین نمونه بارز این موضوع است؛ کشوری که در سال‌های اخیر با توسعه کارآفرینی تقلیدی رشد اقتصادی بالا را بدون نیاز به مخارج بالای R&D تجربه کرده است. در چنین کشورهایی که زیرساخت‌های مناسبی برای تحقیق و توسعه وجود ندارد، کارآفرینان می‌توانند با تقلید از نوآوری‌های کشورهای دیگر فعالیت‌های مولدی را انجام دهند. لوک و مینیتی اظهار داشتند اقتصادهای نهادی نوین به ارتباط بین نهادها و سازمان‌ها که نخستین بار توسط نورث^۷ بیان شد، ماهیت جسمانی می‌بخشند. آنها نیز مانند بامول معتقدند، با

-
- 1- Global Entrepreneurship Monitor
 - 2- Necessity Entrepreneurship
 - 3- Opportunity Entrepreneurship
 - 4- Leveque and Minniti
 - 5- Research Based Entrepreneures
 - 6- Imitator Entrepreneures
 - 7- North

بررسی مقایسه‌ای تأثیر نهادها بر خوداشتغالی و نوآوری در کشورهای منتخب جهان ۱۵۹

حضور کارآفرینان در همه جوامع، این تفاوت در ساختارهای نهادی است که تفاوت‌های عظیمی را در استانداردهای زندگی بین جوامع مختلف به وجود می‌آورد. نهادها می‌توانند هزینه فعالیت‌ها را کاهش دهند و در انتشار اطلاعات در جامعه هماهنگی لازم را به عمل آورند. در حقیقت، این نهادها هستند که بر عملکرد اقتصادی حکمفرما هستند. نورث می‌گوید: عملکرد متفاوت اقتصادها در طول زمان، به‌طور اساسی متأثر از تغییر و تحولات نهادهاست. به سبب اهمیت تأثیر نهادها بر عملکرد اقتصادی، در ادامه به مفهوم نهادها می‌پردازیم.

۲-۲- نهادها

اقتصاددانان نهادها را به دو روش مختلف مدل‌سازی کرده‌اند: برون‌زا و درون‌زا. آوکی^۱ در تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای خود از نهادها، از آنها به‌عنوان یک تعادل تحمیل‌کننده قدرت خود^۲ در یک بازی تکراری تکاملی یاد می‌کند. در مقابل، نورث (۱۹۹۰)، نهادها را به‌عنوان قوانین رسمی یا غیررسمی یک بازی تعریف می‌کند. ما در این مطالعه، تعریف برون‌زای نورث را از نهادها که به یک باور عمومی نزدیک است، در نظر می‌گیریم. بنابراین، در این مطالعه، نهادها به‌عنوان مجموعه‌ای از قوانین، قراردادهای و هنجارها که رفتارهای متعادلی را برای افراد جامعه به ارمغان می‌آورند، در نظر گرفته می‌شوند.

گاگلیاردی (۲۰۰۸)، می‌گوید: نهادها تعیین‌کننده یک ساختار مبادلاتی هستند که بر هزینه‌های معاملات و نقل و انتقالات تأثیر گذارند. از این رو، نهادها امکان اجرا و سودآوری یک فعالیت اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این همان سازوکاری است که به‌واسطه آن، نهادها تعیین‌کننده‌های اساسی کارایی اقتصادی در بلندمدت تلقی می‌شوند، اما ترن^۳، با دیدی متفاوت اظهار می‌دارد که نهادها از طریق کاهش نااطمینانی حاکم بر جوامع، نقش شکل‌دهی تعاملات انسانی را در یک روش پایدار (و نه همیشه کارا) بازی می‌کنند.^۴

نهادهای رسمی، به‌طور عموم با سیستم‌های حقوق مالکیت، قواعد و سازوکارهای قانونی، آزادی‌های سیاسی، اقتصادی و نیز آزادی از فساد سروکار دارند. به هر حال، نوشته‌های معتبر در

1- Aoki

2- Self - enforcing

3- Tran

4- Tran et al, 2009.

این زمینه^۱، اشاره می‌کنند که نهادهای ضعیف، به‌ویژه کیفیت پایین قانون تجارت، قدرت اجرای قانون، موانع اداری، پرداخت‌های خارج از قانون و فقدان نهادهای حامی بازار، مهم‌ترین موانع کارآفرینی به‌شمار می‌آیند. این نوشته‌ها، نهادهای رسمی را روش و رفتارهای مدون ضمنی در یک جامعه می‌دانند که رهنمودهای لازم را برای شکل‌گیری رفتارهای فردی فراهم می‌کنند و با معرفی رفتارهای مجاز و قانونی یک جامعه برای کارآفرینی، افراد کارآفرین را برای استفاده بهتر از فرصت‌ها راهنمایی می‌کنند. در این راستا، جک و اندرسن^۲ (۲۰۰۲) و اندرسن و اسمیت^۳ (۲۰۰۷)، می‌گویند: در جامعه‌ای که نهادها مشخص کرده‌اند که تأسیس و فعالیت شرکت‌ها باید با رفتارهای تأیید شده اجتماعی همراه باشد، وجود ابعاد اخلاقی تأیید شده اجتماعی، رشد کارآفرینی را شدت می‌بخشد.

از نظر افراد، نهادها عوامل ساکن و بدون تغییری هستند، اما به‌رغم مقاومت در برابر تغییرات، نهادها دچار دگرگونی و نوسان می‌شوند. این دید تابعی نسبت به نهادها حکم می‌کند که نهادها به‌لزوم در واکنش به تغییرات محیطی تغییر کنند. این دیدگاه که برگرفته از مکتب شیکاگو بوده براساس این فرض است که عاملان اقتصادی می‌توانند برای ایجاد نهادهای مناسب دست به چانه‌زنی بزنند. به عبارت دیگر، در این نگرش، نهادها نتیجه چانه‌زنی در جامعه هستند. از این‌رو، نهادها باید کارا باشند و با توجه به شرایط اجتماعی و اقتصادی جامعه تعدیل شوند، اما بعد از دهه ۱۹۷۰ میلادی، اولسون^۴ این ایده را که نهادها نتیجه یک چانه‌زنی کارا و مؤثر هستند به چالش کشاند و به مشکلات مرتبط با اقدام‌های جمعی گروه‌های بزرگ تأکید کرد.^۵ این تجزیه و تحلیل اولسون در تقابل با دیدگاه شیکاگو قرار دارد، زیرا از نظر وی، نهادهای ناکارا ممکن است برای مدت زمان طولانی تداوم داشته باشند. وی اعتقاد دارد که گروه‌های علاقه‌مند به تغییرات نهادی ممکن است در سازوکارهای خود برای حل مشکل اقدام‌های جمعی با شکست مواجه شوند. علاوه بر آن، به دلیل آنکه تغییرات نهادی بر تغییر و تبدیل بی‌عدالتی‌های ساختاری دلالت دارد،

۱- از جمله: (Woodruff (2002), Mc Millan (1999), Djankov et al (2004).

2- Jack and Anderson

3- Anderson and Smith

4- Olson

5- Olson, 1972.

بررسی مقایسه‌ای تأثیر نهادها بر خوداشتغالی و نوآوری در کشورهای منتخب جهان ۱۶۱

انتظار می‌رود گروه‌های مخالف در مقابل تغییرات ایستادگی کنند. بنابراین، قواعد و نهادهای جدید اغلب در مقابل همتایان قدیمی خود قرار می‌گیرند.

از نظر تجارب واقعی، می‌توان کشور چین را یک نمونه موفق برای اعمال تغییرات نهادی دانست. رهبران حزب کمونیست چین به منافعی که کارآفرینان برای اقتصاد به ارمغان می‌آورند، اذعان داشته‌اند.^۱ در مطالعه‌ای که در چین صورت گرفت، ۷۰ درصد پاسخگویان اذعان داشته‌اند که کارآفرینی یک انتخاب شغلی مطلوب و مناسب است.^۲ از عصر مائو که کارآفرینی ممنوع بود تا سال‌های اخیر که چین به یکی از بزرگ‌ترین حامیان کارآفرینی تبدیل شده، تغییرات روشن و قابل توجهی صورت گرفته است. در مقابل، بیشتر کشورهای آفریقایی در خصوص تغییر و تحولات نهادی با شکست مواجه شده‌اند.

۳- پیشینه تحقیق

در خصوص بررسی نقش عوامل نهادی بر فعالیت‌های کارآفرینی، مطالعات تجربی اندکی صورت گرفته است. در ادامه، مطالعات صورت گرفته در این زمینه را به‌طور خلاصه مرور می‌کنیم.

روتا آیدیس^۳ و همکاران (۲۰۰۸)، در مقاله‌ای با عنوان «نهادها و توسعه کارآفرینی در روسیه»، یک دیدگاه مقایسه‌ای را برای بررسی چگونگی نفوذ نهادها در توسعه کارآفرینی به کار بردند. آنها که از داده‌های آماری GEM برای مطالعه اثرهای نهادهای ضعیف بر کارآفرینی در روسیه استفاده کردند، ابتدا آن را با کشورهای موجود در نمونه‌های GEM و سپس در جزئیات بیشتری با کشورهای برزیل و لهستان مقایسه کردند. نتایج نشان دادند که محیط نهادی روسیه در تبیین سطح نسبتاً پایین توسعه کارآفرینی اهمیت بسزایی دارد. آنها گفتند که در بین عوامل نهادی، فضای کسب و کار نقش ویژه‌ای دارد.

روسل سوبل (۲۰۰۸)، در مطالعه خود با عنوان «آزمون نظریه بامول: کیفیت نهادها و بهره‌وری کارآفرینی»، نظریه کارآفرینی مولد و غیرمولد بامول را که یکی از مهم‌ترین ادبیات مطرح شده کارآفرینی با دید اقتصادی است، به‌طور تجربی آزمود. وی، در این مطالعه نظریه بامول را مبنی بر اینکه افراد کارآفرین بسته به نهادهای اقتصادی، سیاسی و قانونی حاکم بر جامعه تلاش‌های خود را

1- Anderson et al, 2003.

2- Gangemi, 2007.

3- Ruta Aidis

در مسیرهای مختلفی به پیش می‌برند، مورد تأیید قرار داد. وی که به بررسی ارتباط بین کیفیت نهادهای قانونی و سیاسی کشور آمریکا و کارآفرینی مولد و غیرمولد پرداخت، به این نتیجه رسید که ساختار نهادی مناسب، سرمایه‌گذاری‌های مخاطره‌آمیز، ثبت اختراع و نرخ تأسیس بنگاه را رشد می‌دهد و در نتیجه، با بالا بردن سطح کارآفرینی نرخ بالای رشد اقتصادی را فراهم می‌کند. روبرتو تورینی^۱ (۲۰۰۵)، در مطالعه‌ای با عنوان «تفاوت‌های بین کشوری در نرخ خوداشتغالی: نقش نهادها»، به بررسی نقش متغیرهای نهادی در تبیین شکاف بزرگ مشاهده شده در نرخ خوداشتغالی کشورهای عضو OECD پرداخت. مدل مطرح شده در این مطالعه به تجزیه و تحلیل نقش وضع مالیات و فرصت‌های فرار مالیاتی اختصاص دارد. در این مدل، بر اساس مبانی نظری مربوط، انتظار بر این است که فرصت‌های فرار از مالیات اثر مثبتی بر نرخ خوداشتغالی داشته باشد، در حالی که، وضع مالیات می‌تواند بسته به رفتار کشور در ارتباط با عدم پرداخت مالیات، خوداشتغالی را کاهش یا افزایش دهد. این تحلیل تئوریک (نظری) براساس نتایج مطالعه صورت گرفته برای کشورهای عضو OECD، از یک حمایت تجربی ارزشمند برخوردار شد. در ضمن، نتیجه مطالعه تورینی حاکی از این بود که نرخ خوداشتغالی با مشارکت کارگران در بخش عمومی رابطه عکس دارد. وی، به یک رابطه مثبت بین قوانین بازار تولید و نرخ خوداشتغالی دست یافت، اما رابطه بین بیمه بیکاری و نرخ خوداشتغالی منفی بود.

کریستین^۲ و نیکولای^۳ در سال ۲۰۰۶ به بررسی تأثیر آزادسازی اقتصادی بر سطح کل فعالیت‌های کارآفرینی در ۲۹ کشور عضو GEM پرداختند. این دو محقق در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که سطح کارآفرینی با اندازه دولت رابطه منفی و با پول پر قدرت رابطه مثبت دارد.

۴- معرفی متغیرها و آرایه مدل

کارآفرینی به‌طور معمول از دو جنبه «دارا بودن کسب‌وکار» و «ابتکارات» مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این مطالعه، به پیروی از بیشتر مطالعات انجام شده، جنبه دارا بودن کسب‌وکار را که به کارآفرینی اجباری اشاره دارد، با خوداشتغالی و جنبه ابتکارات را که به کارآفرینی فرصت مربوط

1- Roberto Torrini

2- Christian

3- Nicolai

بررسی مقایسه‌ای تأثیر نهادها بر خوداشتغالی و نوآوری در کشورهای منتخب جهان ۱۶۳

می‌شود، با نوآوری نشان می‌دهیم^۱. داده‌های آماری نرخ خوداشتغالی از آخرین گزارش سازمان بین‌المللی کار (ILO) در سال ۲۰۱۰ استخراج شده است. برای نوآوری، داده‌های مربوط به ثبت اختراعات، برگرفته از گزارش جهانی حقوق مالکیت فکری (WIPO)^۲ به کار برده شده است. با توجه به اینکه هدف این مطالعه بررسی مقایسه‌ای تأثیر عوامل نهادی بر خوداشتغالی و نوآوری است، این متغیرها را به‌عنوان متغیرهای وابسته مدل رگرسیونی انتخاب می‌کنیم.

در ادبیات مربوط، نهادها به دو دسته نهادهای رسمی و غیررسمی تفکیک می‌شوند. نهادهای رسمی شامل مواردی مانند قوانین و مقررات، حقوق مالکیت، سطح فساد، آزادی‌های سیاسی و اقتصادی هستند، در حالی که نهادهای غیررسمی به ابعاد فرهنگی و مذهبی اشاره دارند. در این مقاله، با توجه به مسأله وجود آمار و اطلاعات و قابلیت اندازه‌گیری عوامل نهادی، از نهادهای رسمی برای تبیین رفتار کارآفرینی استفاده می‌کنیم. در بین نهادهای رسمی نیز عواملی را که با اندیشه آزادی اقتصادی مرتبط هستند، به‌عنوان عوامل نهادی اثرگذار بر سطح کارآفرینی انتخاب می‌کنیم. آزادی اقتصادی حق اساسی و بنیادی هر انسانی برای کنترل مقدار کار و دارایی خویش است. در یک جامعه با آزادی اقتصادی، افراد برای کار کردن، تولید، مصرف و سرمایه‌گذاری به روش‌های دلخواه خود، آزاد هستند. در نتیجه، بنیان آزادی اقتصادی، انتخاب شخصی، مبادله اختیاری و بازارهای باز بوده و بالاترین شاخص آزادی اقتصادی، تحقق کامل حقوق مالکیت و آزادی کامل برای تحرک نیروی کار، سرمایه، کالاها و خدمات و نبود اجبار و محدودیت‌های دولتی، برای حفظ و حمایت از آزادی و اختیار عمل شهروندان است. در گزارش‌های بنیاد هریتیج^۳، ده شاخص برای آزادی اقتصادی کشورها تعریف و برای هر شاخص نمره‌ای بین صفر و صد ارائه شده است، به طوری که عدد صد، بالاترین درجه آزادی و عدد صفر پایین‌ترین درجه آزادی را نشان می‌دهد. این ده شاخص عبارت‌اند از: آزادی کسب‌وکار، آزادی تجاری، آزادی

۱- برخی از مطالعاتی که در آنها خوداشتغالی شاخص دارا بودن کسب‌وکار عنوان شده است، عبارت‌اند از:

Audretsch and Thurik (2001), Blanchflower (2000), Blanchflower et al. (2001), Bruce and Holtz-Eakin (2001), Carree et al. (2000), Evans and Leighton (1989), Fonseca et al. (2001), Georgellis and Wall (2002), Hamilton (2000)

و برخی از مطالعاتی که نوآوری را نشان‌دهنده ابتکارات دانسته‌اند، عبارت‌اند از:

Salgado-Banda (2004), Murphy et al. (1991, p. 504), Drucker (1985, p. 17), Langinier and Moschini (2002), Hall et al. (2000)

2- World Intellectual Property Rights Organization

3- Heritage Foundation

مالی، آزادی از مداخلات دولت (مخارج دولتی)، آزادی پولی، آزادی سرمایه‌گذاری، آزادی تأمین مالی، آزادی مالکیت، آزادی از فساد و آزادی نیروی کار. میانگین نمرات این ده شاخص به‌منظور ارایه نمره کل برای آزادی اقتصادی یک کشور به کار برده می‌شود، اما در صورت در نظر گرفتن همه شاخص‌های آزادی اقتصادی، به‌عنوان متغیرهای توضیحی مدل، با مشکلات تکنیکی از جمله خودهمبستگی مواجه خواهیم بود. به همین دلیل، تنها پنج شاخص آزادی کسب-وکار، آزادی تجاری، آزادی سرمایه‌گذاری، آزادی از فساد و آزادی از مداخلات دولت را که کمترین همبستگی بین آنها وجود دارد، به‌عنوان متغیرهای مستقل مدل انتخاب می‌کنیم.^۱ با توجه به مطالب گفته شده، برای بررسی تأثیر عوامل نهادی بر رفتار کارآفرینی، نمونه‌ای مشکل از ۶۰ کشور توسعه‌یافته و در حال توسعه^۲ در نظر گرفته شده و الگوی اقتصادسنجی زیر به کار برده شده است:

$$Y_{kit} = \beta_0 + \beta_1 BF_{it} + \beta_2 TF_{it} + \beta_3 IF_{it} + \beta_4 CF_{it} + \beta_5 GF_{it} + U_{it} \quad k=1,2$$

که در آن:

Y_{1it} = نرخ خوداشتغالی کشور i در زمان t

Y_{2it} = نوآوری (ثبت اختراع) کشور i در زمان t

BF_{it} = آزادی کسب‌وکار کشور i در زمان t

TF_{it} = آزادی تجاری کشور i در زمان t

IF_{it} = آزادی سرمایه‌گذاری کشور i در زمان t

CF_{it} = آزادی از فساد کشور i در زمان t

GF_{it} = آزادی از مداخلات دولت کشور i در زمان t

U_{it} = جمله اختلال مدل رگرسیون است.

دوره زمانی این پژوهش، سال‌های ۲۰۰۹-۱۹۹۰ است. از آنجا که داده‌های مربوط به متغیر نرخ خوداشتغالی به صورت دوره‌های پنج‌ساله گزارش شده است، از این رو، مشاهدات مورد استفاده در این پژوهش را به صورت چهار دوره پنج‌ساله در نظر گرفته‌ایم.

۱- جدول شماره ۱ پیوست، ماتریس ضریب همبستگی بین شاخص‌های آزادی اقتصادی را نشان می‌دهد.

۲- فهرست کشورهای مورد مطالعه در جدول شماره ۲ پیوست، آمده است.

۵- برآورد مدل و تحلیل یافته‌ها

پیش از تخمین مدل باید مشخص کنیم که آیا عرض از مبدأ مدل برای مقاطع مختلف یکسان است یا متفاوت؟ در صورتی که مقاطع دارای عرض از مبدأ واحد باشند، به سادگی می‌توان از روش حداقل مربعات تجمیع شده^۱ استفاده کرد و در غیر این صورت ضرورت استفاده از روش داده‌های تابلویی احراز می‌شود. به لحاظ آماری این قضیه با استفاده از آزمون F مورد آزمون قرار می‌گیرد. در این مطالعه، با توجه به اینکه آماره F محاسبه شده در مدل رگرسیونی با متغیر وابسته نرخ خوداشتغالی ۸/۹۶ و در مدل با متغیر وابسته نوآوری ۹/۴۳ است، در هر دو مدل آماره F محاسبه شده از F بحرانی جدول به مراتب بزرگ‌تر است. بنابراین، فرضیه صفر مبنی بر مساوی بودن عرض از مبدأ همه کشورها رد می‌شود. با توجه به اینکه کشورهای مورد بررسی در این مطالعه ترکیبی از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه و ناهمگن هستند، نتیجه آزمون F به لحاظ نظری نیز پذیرفته می‌شود. باید در گام بعدی به انتخاب روش برآورد داده‌های تابلویی که به دو صورت روش اثرهای ثابت^۲ و اثرهای تصادفی^۳ برآورد می‌شود، بپردازیم. برای تصمیم‌گیری در مورد انتخاب بین دو روش یادشده باید توجه داشت که روش اثرهای ثابت به‌طور معمول هنگامی کارایی دارد که کل جامعه آماری در نظر گرفته شود، در صورتی که از کل جامعه بزرگی نمونه‌ای به صورت تصادفی انتخاب شود، روش اثرهای تصادفی کاراتر خواهد بود. برای تعیین روش برآورد در داده‌های تابلویی از آماره هاسمن استفاده می‌کنیم که رد فرضیه صفر بیان‌کننده استفاده از روش اثرهای ثابت است. برای این منظور آزمون هاسمن را انجام داده‌ایم که نتایج آن در هر دو مدل (جدول‌های ۱ و ۲) انتخاب روش اثرات تصادفی را نشان می‌دهد که با مفهوم نظری این روش نیز مطابقت دارد، زیرا نمونه‌ای تصادفی از کل کشورهای جهان به‌عنوان نمونه آماری مطالعه انتخاب شده است.

1- Pooled Least Square

2- Fixed Effect

3- Random Effect

جدول ۱- نتایج حاصل از آزمون هاسمن (متغیر وابسته: نرخ خوداشتغالی)

آماره هاسمن	آماره کای-دوی جدول	احتمال	نتیجه آزمون
۱/۶۴	۱۱/۰۷	۰/۹	انتخاب روش اثرات تصادفی

مأخذ: محاسبات تحقیق.

جدول ۲- نتایج حاصل از آزمون هاسمن (متغیر وابسته: نوآوری)

آماره هاسمن	آماره کای-دوی جدول	احتمال	نتیجه آزمون
۱/۱۵	۱۱/۰۷	۰/۹۵	انتخاب روش اثرات تصادفی

مأخذ: محاسبات تحقیق.

۱-۵- برآورد مدل با متغیر وابسته خوداشتغالی

جدول شماره ۳، نتایج حاصل از برآورد مدل مربوط به خوداشتغالی را به روش اثرهای تصادفی نشان می‌دهد.

جدول ۳- نتایج حاصل از برآورد مدل خوداشتغالی به روش اثرهای تصادفی

متغیر	ضریب	آماره t	احتمال مربوط	آماره‌های مهم
C	۲۶/۰۱*	۴/۹۲	۰/۰۰۰	
BF	-۰/۳۴۹*	-۲/۹۶	۰/۰۰۶	$۳۴/۱۱F =$
TF	-۰/۱۰۲**	-۲/۴۸	۰/۰۲	$۰/۸۷R^2 =$
IF	۰/۸۷*	۴/۸۱	۰/۰۰۰	$۲/۰۹D.W =$
CF	-۰/۱۷۹**	-۲/۰۵	۰/۰۵	
GF	۰/۳۶۴*	۳/۱۰	۰/۰۰۴	

C: عرض از مبدأ

*: معناداری در سطح ۱٪

** : معناداری در سطح ۵٪

مأخذ: محاسبات تحقیق.

از بین متغیرهای توضیحی به‌جز شاخص فساد و متغیر آزادی تجاری که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار هستند، سایر متغیرها با اطمینان بالای ۹۹ درصد معنادارند. آماره ضریب تعیین بیان می‌کند که ۸۷ درصد تغییرات نرخ خوداشتغالی توسط عوامل نهادی یادشده توضیح داده می‌شود که بیان‌کننده قدرت برازش مناسب و نسبتاً بالای مدل است.

همان‌طور که از جدول نتایج پیداست، آزادی کسب‌وکار اثر منفی و معناداری بر نرخ خوداشتغالی دارد، به‌طوری که افزایش آزادی کسب‌وکار کاهش نرخ خوداشتغالی را به دنبال

بررسی مقایسه‌ای تأثیر نهادها بر خوداشتغالی و نوآوری در کشورهای منتخب جهان ۱۶۷

دارد. این ارتباط منفی به دلیل آن است که هر کجا درجه آزادی کسب و کار بالا باشد، فرصت‌های مناسب شغلی، به‌ویژه در بخش صنعت وجود دارد و تقاضا برای نیروی کار بالا است. در نتیجه، افرادی که بیشتر علاقه‌مند به اشتغال در بخش دستمزدبگیری هستند، جذب می‌شوند و ناگزیر به ایجاد خوداشتغالی نیستند. در ضمن، این نتیجه می‌تواند ناشی از این حقیقت باشد که درجه پایین آزادی کسب و کار منعکس‌کننده وجود یک دولت مرکزی بوده که بوروکراسی شدید و عمیق اداری در آن ریشه کرده است. این نوع مدل اقتصادی به‌طور عموم ناکارا بوده و ممکن است به تخصیص نادرست منابع منجر شود. در نتیجه، این اقتصادها با سطح بالای نرخ بیکاری مواجه‌اند. این امر باعث می‌شود افراد گزینه‌های کمتری برای اشتغال داشته باشند و ناگزیر شوند به خوداشتغالی روی آورند. دلیل دیگر این امر ممکن است به مشکلات عدیده‌ای برگردد که افراد کارآفرین در حالت محدود بودن آزادی کسب و کار با آن مواجه هستند. در چنین محیط‌هایی که فشار و اجبار وجود دارد، ممکن است خوداشتغالی به‌عنوان ابزاری برای کسب استقلال مورد استفاده قرار گیرد.

متغیر آزادی تجاری نیز اثر منفی و معناداری بر نرخ خوداشتغالی داشته است. همان‌طور که بیان شد این متغیر با موانع تجاری سروکار دارد و افزایش آن به معنای آزادی تجاری بیشتر و کاهش موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای در خصوص تجارت است. به نظر می‌رسد، کاهش موانع تجاری با افزایش مراودات اقتصادی بین‌المللی از نوع صادرات و واردات، باعث تقاضای بیشتر برای نیروی کار، به‌ویژه در بخش صنعت شده و از انگیزه‌های افراد برای ایجاد شغل و گرایش به خوداشتغالی کاسته است. به عبارت دیگر، گسترش تجارت بین‌المللی، با ایجاد فرصت‌های شغلی تازه، افراد بیشتری از نیروی کار را جذب کرده است.

نتیجه حاصل از برآورد مدل نشان می‌دهد که آزادی سرمایه‌گذاری اثر مثبتی بر نرخ خوداشتغالی دارد. وقتی آزادی سرمایه‌گذاری که بیشتر وابسته به سیاست سرمایه‌گذاری خارجی است، افزایش می‌یابد، نرخ خوداشتغالی نیز افزایش می‌یابد. به نظر می‌رسد این نتیجه با ادبیات موجود در خصوص نقش رشددهنده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی که بیان کرده‌اند این نوع سرمایه‌گذاری دارای اثرهای خارجی است^۱ و موجب افزایش مهارت‌های محلی می‌شود، سازگار باشد. دلیل دیگر این نتیجه آن است که با افزایش سرمایه‌گذاری خارجی، تقاضای محلی برای

۱۶۸ فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی (رویکرد اسلامی - ایرانی) سال دوازدهم شماره ۴۲

کالاها و خدمات خاص منطقه سرمایه‌گذاری شده، افزایش می‌یابد. برای پاسخگویی به این تقاضاها، در این مناطق شرکت‌های جدید تأسیس می‌شوند و هزاران شرکت کوچک توسعه می‌یابند.

یافته‌های ما بر ارتباط منفی بین شاخص آزادی از فساد و نرخ خوداشتغالی دلالت می‌کند. این به آن معناست که وقتی شاخص آزادی از فساد افزایش می‌یابد یا به عبارت دیگر، محیط پاک‌تر می‌شود، نرخ خوداشتغالی کاهش می‌یابد. یکی از دلایلی که باعث می‌شود کشورهای با سطح فساد بالا (و نسبتاً فقیر) سطح خوداشتغالی بالایی داشته باشند، این است که در این محیط‌ها افراد به سبب اینکه در ساختارها و سازمان‌های موجود احساس ناخوشایندی دارند، دست به خوداشتغالی می‌زنند. در چنین محیط‌هایی که فساد فراگیر شده است، پیدا کردن شغلی پاک و شرافتمندانه مشکل بوده و شاید خوداشتغالی مهم‌ترین راه‌رایی از این مشکل باشد. دلیل مهم دیگر برای این ارتباط آن است که امکان دارد افراد پس از خوداشتغالی از طریق عدم رعایت قوانین کار، عدم پرداخت مالیات و... فساد را افزایش دهند.

متغیر آزادی از مداخلات دولت اثر مثبتی بر افزایش خوداشتغالی داشته است. به عبارت دیگر، هرچه فضای اقتصادی به سمت سیستم رقابتی و اقتصاد بازار حرکت کرده، افزایش کارایی و سودآوری مشاغل آزاد و خصوصی از یک سو و کاهش اندازه دولت از سوی دیگر، باعث ترغیب بیشتر افراد به سمت خوداشتغالی شده است. با کاهش اندازه دولت، به‌طور طبیعی تقاضای دولت برای نیروی کار در مشاغل و پست‌های دولتی کاهش می‌یابد و نیروی کار آزاد شده از این طریق، به خوداشتغالی روی می‌آورد.

۵-۲- برآورد مدل با متغیر وابسته نوآوری

جدول شماره ۴، نتایج حاصل از برآورد مدل مربوط به نوآوری را به روش اثرهای تصادفی نشان می‌دهد.

جدول ۴- نتایج حاصل از برآورد مدل نوآوری به روش اثرهای تصادفی

متغیر	ضریب	آماره t	احتمال مربوط	آماره‌های مهم
C	۸۱/۰۱°	۷/۳۲	۰/۰۰۰	
BF	۰/۳۴۹*	۴/۵۳	۰/۰۰۰۱	۸/۱۳F =
TF	۰/۱۰۲	۰/۹۷	۰/۳۳	۰/۸۲R ² =
IF	-۰/۸۷	-۰/۸۹	۰/۳۷	۱/۸۹D.W=
CF	۰/۱۷۹**	۲/۸۸	۰/۰۰۷	
GF	-۰/۳۶۴	-۰/۶۶	۰/۵۰	

C: عرض از مبدأ

*: معناداری در سطح ۱٪

** : معناداری در سطح ۵٪

مأخذ: محاسبات تحقیق.

همان‌طور که از جدول مشخص است، متغیرهای آزادی کسب و کار و آزادی از فساد در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار هستند. سایر متغیرها، تأثیر معناداری بر نوآوری ندارند. نکته درخور تأمل آن است که متغیرهای آزادی کسب و کار و آزادی از فساد که تأثیر منفی بر نرخ خوداشتغالی داشتند، تأثیر مثبتی بر نوآوری دارند.

نوآوران به دنبال محیط‌هایی هستند که حداکثر آزادی را داشته باشد تا بتوانند نوآوری خویش را به مرحله عمل برسانند. علاوه بر آن، به دلیل آنکه نوآوری یک فعالیت مخاطره‌آمیز و ریسک‌دار است، کارآفرینان نوآور در محیط‌هایی فعالیت می‌کنند که شروع، ادامه و تعطیلی کسب و کار مشکلات اداری و قانونی نداشته باشد. بنابراین، ارتباط مثبت نوآوری و آزادی کسب و کار منطقی به نظر می‌رسد.

با توجه به یافته‌های مطالعه، شاخص آزادی از فساد نیز ارتباط مثبتی با نوآوری دارد. به عبارت دیگر، وقتی محیط پاک‌تر می‌شود، ثبت اختراعات افزایش می‌یابد. در اقتصادهایی که با فساد بالا دست به گریبان هستند، کارآفرینان تمایلی به نوآوری ندارند. دلیل اصلی این امر، عدم حمایت از نوآوری آنها در این‌گونه اقتصادهاست. سیستمی که در آن فساد رخنه کند، نمی‌تواند قوانین مؤثری داشته باشد که تضمین‌کننده حمایت شایسته از حقوق نوآوران باشد. در ضمن، فساد اغلب با درجه بالای نااطمینانی همراه است که این امر نوآوران را از سرمایه‌گذاری دلسرد می‌کند، به‌ویژه اینکه نوآوری خود یک فعالیت دارای ریسک و بیشتر پرهزینه است.

۶- نتیجه گیری و پیشنهادها

امروزه، کشورها به این نتیجه رسیده‌اند که بهترین روش ایجاد اشتغال و حل مسایل بیکاری، توسعه و گسترش فعالیت‌های کارآفرینی در جامعه است، اما با توجه به درجه توسعه اقتصادی کشورها، تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای در سطح کارآفرینی کشورها مشاهده می‌شود. در این پژوهش، برای تبیین این تفاوت‌ها، به بررسی مقایسه‌ای نقش نهادها و عوامل نهادی در تعیین سطح خوداشتغالی و نوآوری در کشورهای منتخب جهان پرداخته شد. تجزیه و تحلیل‌ها صورت گرفته در این مطالعه نشان دادند که خوداشتغالی و نوآوری از محیط نهادی به‌طور متفاوت تأثیر می‌پذیرند؛ به‌طوری که آزادی کسب‌وکار و آزادی از فساد تأثیری منفی بر خوداشتغالی دارند، اما تأثیر مثبتی بر نوآوری دارند. در واقع، نهادهایی که خوداشتغالی را تقویت می‌کنند، نوآوری را تضعیف می‌کنند و برعکس. از آنجا که مطالعات مهم صورت گرفته در زمینه تأثیر فساد بر فعالیت‌های اقتصادی نشان داده‌اند فساد تأثیری منفی بر رشد اقتصادی بلندمدت دارد، نتیجه به‌دست آمده در این مطالعه، مبنی بر ارتباط مثبت فساد با خوداشتغالی و ارتباط منفی آن با نوآوری، ایجاب می‌کند که خوداشتغالی رابطه‌ای منفی و نوآوری رابطه‌ای مثبتی با رشد داشته باشند. از این‌رو، نتایج مطالعه حاضر مطابق نظریات شومپیتر و بامول در مورد کارآفرینی بوده که بیان می‌کنند این نوآوری است که می‌تواند باعث شکوفایی و رشد بلندمدت اقتصاد شود.

در برخی از مطالعات مانند مطالعه آدرتچ^۱ و شوریک^۲ (۲۰۰۴)، مطرح شده است که افزایش خوداشتغالی می‌تواند رقابت بین کارآفرینان را بیشتر کند و بهره‌وری را بالا ببرد؛ این فشار در جهت افزایش بهره‌وری می‌تواند در جهت افزایش نوآوری نیز فشار وارد کند، در حالی که یافته‌های تجربی ما این بحث را تأیید نمی‌کنند، زیرا نتیجه مطالعه حاکی از آن است که محیط نهادی مناسب برای رونق خوداشتغالی می‌تواند مانع نوآوری شود.

با توجه به نتایج به‌دست آمده، دولت‌ها برای رسیدن به رشد اقتصادی بلندمدت باید نهادهایی را تقویت کنند که نوآوری را تقویت می‌کنند. به این معنا که زیرساخت‌های مناسبی را فراهم آورند تا کارآفرینی اجباری به تدریج به کارآفرینی فرصت تبدیل شود، اما در کشورهای درحال توسعه که با بیکاری بالا دست به گریبان هستند و برای کاهش آن چاره‌ای جز ترویج خوداشتغالی

1- Audretsch

2- Thurik

بررسی مقایسه‌ای تأثیر نهادها بر خوداشتغالی و نوآوری در کشورهای منتخب جهان ۱۷۱

ندارند، ممکن است این مسأله به بحران بیکاری دامن بزند. به نظر می‌رسد در این کشورها سیاست‌گذاران باید بسیار محتاط عمل کنند و سیاست متعادلی را در پیش گیرند. این سیاست می‌تواند توسعه کارآفرینی تقلیدی باشد. سیاستی که می‌تواند نوآوری کشورهای دیگر را برای انجام فعالیت‌های مولد در داخل کشور و در نتیجه، رسیدن به رشد اقتصادی بلندمدت به کار گیرد. هر چند نهادهای بین‌المللی، به‌ویژه سازمان تجارت جهانی (WTO)^۱ اعتقادی به این نوع کارآفرینی ندارند و به‌شدت نسبت به حمایت از حقوق مالکیت فکری نوآوران حساس هستند.



1- World Trade Organisation

منابع

الف - فارسی

اشرف‌زاده، حمیدرضا و نادر مهرگان (۱۳۸۷)، اقتصادسنجی پانل‌دیتا، مؤسسه تحقیقات تعاون دانشگاه تهران، چاپ اول.

ب - انگلیسی

- Aidis, Ruta & Estrin, Saul & Mickiewicz, Tomasz (2008), Institutions and Entrepreneurship Development in Russia: A Comparative Perspective, *Journal of Business Venturing*, vol. 23(6).
- Anderson, A.R., Smith, R (2007), The moral space in entrepreneurship: an exploration of ethical imperatives and the moral legitimacy of being enterprising, *Entrepreneurship & Regional Development*, 19.
- Anderson, A.R., Miller, C.J (2003), Class matters: human and social capital in the entrepreneurial process, *Journal of Socio-Economics*, 32.
- Anderson, A.R., Li, J.H., Harrison, R.T., Robson, P.J.A (2003), The increasing role of small business in the Chinese economy, *Journal of Small Business Management*, 41.
- Aoki, M (2001), *Toward a Comparative Institutional Analysis*, MIT Press, Cambridge, Mass.
- Audretsch, D., Thurik, R (2004), A model of entrepreneurial economy, *International Journal of Entrepreneurship of Education*, 2.
- Bush, P.D (1994), The pragmatic instrumentalist perspective on the theory of institutional change, *Journal of Economic Issues*, 28.
- Christian B. and Nicolai J (2006), Economic Freedom and Entrepreneurial Activity: Some Cross-Country Evidence, Danish research unit for dynamics industrial (DRUID) Working Paper, No. 06-18
- Davidsson, P (1995), Culture, structure and regional levels of entrepreneurship, *Entrepreneurship and Regional Development*, 7.
- Djankov, S., Miguel, E., Qian, Y., Roland, G., Zhuravskaya, E (2004), Who are Russia's Entrepreneurs, World Bank, Mimeo.
- Gagliardi, F (2008), Institutions and economic change: a critical survey of the new institutional approaches and empirical evidence, *The Journal of Socio-Economics*, 37.
- Gangemi, J (2007), Study: U.S. Startup Activity Down Slightly, 06, *Business Week Online*, January 11.
- Jack, S.L., Anderson, A.R (2002), The effects of embeddedness on the entrepreneurial process, *Journal of Business Venturing*, 17.
- Kirzner, I.M (1973), *Competition & Entrepreneurship*, University of Chicago Press, Chicago.

- Kristina Nyström (2008), The institutions of economic freedom and entrepreneurship: evidence from panel data, *Public Choice*, 136.
- McClelland, D (1961), *The Achieving Society*, Free Press, New York.
- McMillan, J., Woodruff, C (1999), Dispute Prevention without courts in Vietnam, *Journal of Law, Economics and Organization*, Oxford University Press, 15.
- McMillan, J., Woodruff, C (2002), The central role of entrepreneurs in transition economies, *Journal of Economic Perspectives*, 16.
- North, D (1990), *Institutions Institutional Change and Economic Performance*, Cambridge University Press, Cambridge.
- Olson, M (1972), *The Logic of Collective Action: Public Goods and the Theory of Groups*, Harvard University Press, Cambridge, Mass.
- Sobel, R.S (2008), Testing Baumol: institutional quality and the productivity of entrepreneurship, *Journal of Business Venturing*, 23.
- Torrini, Roberto (2005), Cross-country differences in self-employment rates: the role of institutions, *Labour Economics*, 12.
- Tran, T.B, Grafton, R.Q., Kompas, T (2009), Institutions matter: the case of Vietnam, *The Journal of Socio-Economics* 38.
- Verheul, I., Wennekers, A.R.M., Audretsch, D.B., Thurik, A.R (2002), An eclectic theory of entrepreneurship. In: Audretsch, D.B., Thurik, A.R., Verheul, I., Wennekers, A.R.M. (Eds.), *Entrepreneurship: Determinants and Policy in a European-US Comparison*, Kluwer Academic Publishers, Boston/Dordrecht.

پیوست

جدول ۱- ضریب همبستگی بین متغیرها

	آزادی کسب و کار	آزادی تجاری	آزادی مالی	آزادی از مداخلات دولت	آزادی پولی	آزادی سرمایه گذاری	آزادی تأمین مالی	آزادی مالکیت	آزادی از فساد	آزادی نیروی کار
آزادی کسب و کار	۱									
آزادی تجاری	۰.۳۲	۱								
آزادی مالی	۰.۴۹	۰.۵۴	۱							
آزادی از مداخلات دولت	-۰.۰۵	-۰.۰۹	-۰.۴۴	۱						
آزادی پولی	۰.۵۶	۰.۶۵	۰.۶۴	-۰.۴۷	۱					
آزادی سرمایه گذاری	۰.۲۲	۰.۳۱	۰.۵۳	-۰.۲۳	۰.۶۴	۱				
آزادی تأمین مالی	۰.۶۷	۰.۶۶	۰.۶۷	-۰.۶۶	۰.۵۱	۰.۴۶	۱			
آزادی مالکیت	۰.۶۶	۰.۷۶	۰.۷۵	-۰.۵۵	۰.۷۴	۰.۵۳	۰.۶۷	۱		
آزادی از فساد	۰.۳۸	۰.۳۲	۰.۴۷	-۰.۲۴	۰.۶۶	۰.۱۸	۰.۴۹	۰.۶۹	۱	
آزادی نیروی کار	۰.۷۳	۰.۷۱	۰.۴۸	-۰.۴۶	۰.۴۵	۰.۴۲	۰.۵۴	۰.۵۹	۰.۴۹	۱

مأخذ: محاسبات تحقیق.

جدول ۲- فهرست کشورهای مورد مطالعه

کشورهای توسعه یافته	کشورهای در حال توسعه
<p>نروژ، استرالیا، کانادا، ایرلند، سوئد، فرانسه، فرانسه، ژاپن، فنلاند، آمریکا، اتریش، اسپانیا، دانمارک، بلژیک، ایتالیا، نیوزلند، انگلیس، آلمان، سنگاپور، هنگ کنگ، یونان، کره جنوبی، اسلوانی، قطر، کویت، پرتغال، امارات، چک، اسلواکی، مجارستان، رژیم اشغالگر قدس، سوئیس، لوکزامبورگ و قبرس</p>	<p>آرژانتین، بحرین، بنگلادش، برزیل، بلغارستان، کامرون، شیلی، چین، کلمبیا، مصر، هند، ایران، اردن، کنیا، لبنان، لیبی، مالزی، مالی، مکزیک، نپال، نیجریه، عمان، پاکستان، پاناما، پرو، هلند، رومانی، روسیه، سریلانکا، آفریقای جنوبی، تانزانیا، تایلند، سوریه، ترکیه، تونس و ونزوئلا</p>